



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا فَتْحُ الْإِسْلَامِ يَا هادي



وقتی اهالی نیشابور برای موسی بن جعفر صلوات الله علیه وجوهاتشان را فرستادند، بی‌بی « شطیطه »، بانوئی نیشابوری هم چهار سکه درهم سیاه با یک کلاف نخ فرستاد.

وقتی آن وجوهات و چند کیسه طلا تقدیم امام شد، حضرت فرمودند: من قبول نمی‌کنم، ما نیازی نداریم، اینها را به صاحبشان برگردانید. حضرت فرمود: دیگر چیزی نیست؟ مرد نیشابوری گفت نه. بار دیگر امام فرمودند: خوب بیاندیش. مرد نیشابوری گفت بله، یک زنی هم مقداری نخ و چند درهم سیاه داده است. امام فرمودند: همان را بیاور. حضرت سکه سیاه و کلاف را برداشتند.

و مقداری پارچه و مقداری پول آوردند و فرمودند:

این را بده به آن خانم؛ بگو این پارچه از پنبه‌ای است که از ملک اجدادی ماست و خواهرم حکیمه به دست خودش این پنبه را رشته و این پارچه را بافته. این برای کفنت. از وقتی این پارچه به تو می‌رسد تا وقتی این پول را مصرف کنی در حیات هستی.

مقداری از آن برایت می ماند برای خرج مقدمات کفن و دفن شما.
به او سلام ما را برسان و بگو روز رفتن تو ما می آییم، و من بر تو نماز می خوانم.
آن واسطه می گوید: من برگشتم نیشابور.

وقتی « طلاها » را به صاحبانشان برگرداندم، همگی خوشحال شدند!!!!
رفتم سراغ بی بی شطیطه، پارچه و سکه ها را به او دادم، سلام آقا را رساندم.
و منتظر بودم بینم این زن کی از دنیا می رود.

بی بی از دنیا رفت و من به علما گفتم که حضرت هیچ مالی را قبول نکرد الا این زن.
لذا تشییع پرشکوهی از او شد و من می خواستم بدانم چه فردی بر او نماز می خواند.
همه به صف ایستاده بودند، ناگهان دیدم موسی بن جعفر صلوات الله علیه حاضر شدند
و نماز میت را خواندند. همه گفتند شاید او از علما شهر دیگر بوده و نفهمیدند کی بود
حضرت بعد از نماز به من فرمودند یادت آمد من وعده داده بودم؟ آن را عملی کردم



« مفاهیم قرآن از زبان قرآن: »

جلسه چهارم — دور یازدهم — ۸ اسفند ۱۴۰۰



در محضر سورۂ سبا:

A vertical photograph of a tree trunk on the right side, with several clusters of leaves in shades of red, orange, and yellow. The background is a lush green lawn. A red banner with a white border is positioned on the left side of the image.

بخش اول آیه ۳۷:

وَمَا أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ

بِالَّتِي تُقَرِّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ

إِلَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا (سبا/۳۷)

و اموالتان و فرزندانان آنچیزی نیستند که شما را به ما نزدیک کنند، مگر آنها که «ایمان آورند» و «کار شایسته انجام دهند» پس برایشان دو برابر عملشان پاداش است و آنها در بهشت آسوده‌اند.

نکته اول:



« فرزندان » و « اموال »،

چون « عملکرد » تلقی نمی‌شوند،

عاملِ « تقرُّب^۳ » به بارگاه الهی هم نیستند»،

فقط « عملکردِ مؤمنانه^۳ » عاملِ تقرُّب^۳‌اند.

نکته دوم:

احتمالِ اینکه «**فرزندان**»،

باعثِ «**سرگرمی**»

و «**غفلتِ والدین** از **یاد خدا**» شوند،

بسیار زیاد است.

نکته سوم:

« قرآن » از اهل ایمان می خواهد:

با « مراقبت » از هر همسر و فرزندی،

« آرامشِ خانواده » را

حتماً « حفظ » کنند.

نکته چهارم:

« فرزندان » ممکن است:

عاملِ « غرور » و « مجازاتِ »

والدینِ « کافر و منافق » باشند.

نکته پنجم:

« والدین » با فاصله گرفتن از « عقل و وحی »،

و تصرفِ « **خودخواهانان** »،

در « قوانین » و « احکام »،

از « **ولایت** » و « **حمایت**ِ اولیاء الهی »،

به « فرمانِ الهی »، « **محروم** » می‌شوند.

نکته ششم:

خصوصاً «**پسران**»،

«**باقیات الصالحات**»، «**نیستند**»،

اما شاید «**دختران**»،

از مصادیقِ «**باقیات الصالحات**» باشند.

نکته هفتم:

« **فرزندان** » هم مثلِ « اموال »،

از « والدینِ **کافر** » خود،

هیچ « مشکلی » را « درمان »،

و هیچ « **عذاب**ی » را « دفع » نمی‌کنند.

پس « مال » و « فرزند »،

هرگز نمی‌توانند « مانعِ خسرانِ »

والدینِ « کافر و منافق » باشند.

نکته هشتم:



« **سرنوشتِ فرزندان** »،

از « **سرنوشتِ پدر** »، « **جدا** » است،

و « **مادر و فرزند** » هم

هیچ « **ربط مستقیمی** » به هم ندارند.

نکته مهم:



والدین « **مجاز نیستند** »،

به خاطرِ « **فرزند** »،

« **زیان** » ببینند،

و « **آخرت** » خود را « **فدای** » او کنند.

نکته دهم:

تمام مراحلِ « فرزندآوری »،

بر مبنای « **علمِ الهی** »،

و « **قابلیت** » والدین رُخ می دهد.

پرسش ۱:



کدام «فرزند»، «ناخواسته» است؟

قطعاً « **هیچ فرزندی** »،

« **شانسی** » و « **ناخواسته** » نیست،

هر چند که ممکن است « **فرزند** »،

با « **استقبال** » والدین مواجه نشود.

پرسش ۲:



آیا «فرزندآوری»، «لازم» است؟

وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِهِ وَتَبْغُونَهَا عِوَجًا

وَإِذْ كُنتُمْ لِقَائِهِ إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَّرَكُمْ

وَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ

(أعراف/۸۶)

و بر سر هر راهی منشینید که (مردم را) بترسانید و آنرا که ایمان به خدا آورده از راه خدا باز دارید یا باعث انحراف او شوید و یاد آورید وقتی کم بودید پس شما را زیاد کرد و بنگرید که فرجام مفسدین چگونه است.

پس « **کم** جمعیتی **مؤمنین** »،

از منظر الهی، « **پسندیده** » نیست،

و « **فرزندآوری** »،

لازمه تحقق « **اراده الهی** » است.

وَإِذْ كُنتُمْ إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ

تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ

وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ (انفال/ ۲۶)

و به یاد آورید وقتی شما در زمین کم و مستضعف بودید،

می ترسیدید مردم شما را بربایند،

پس (خدا) پناهتان داد و با یاری خود نیرومندان کرد،

و از چیزهای پاک به شما روزی داد تا سپاسگزاری کنید.

پس « **کم** جمعیت » بودن مؤمنین در جهان،
عاملِ « **استضعاف و غارت** » شدن آنهاست،

و « **فرزندآوری** »،

عاملِ برخورداری از « **امداد الهی** » است.

در بخشی از دعای «افتتاح» عرض می‌کنیم:

اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ

فَقَدْ نَبَّيْنَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَغَيْبَهُ وَلَيْنَا (إِمَامِنَا)

وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَقِلَّةَ عَدَدِنَا

وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا وَتَظَاهَرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ [آلِ مُحَمَّدٍ] وَاعِنَا عَلَى ذَلِكَ

بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ وَبِضُرٍّ تَكْشِفُهُ وَنَصْرٍ تُعِزُّهُ وَسُلْطَانٍ حَقٍّ تُظْهِرُهُ وَرَحْمَةٍ مِنْكَ تُجَلِّلُنَاهَا وَعَافِيَةٍ مِنْكَ تُلْبِسُنَاهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

پس « **که** جمعیت » بودنِ مؤمنین،

قابلِ « **شکایت** و پیگیری » است،

و تلاش برای « **فرزندآوری** »،

تنها « **شرطِ رفعِ این مُشکل** » است.

لذا هر نوع « فرزندگشی، ممنوع »:

وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشِيَةَ إِمْلَاقٍ

نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِنَّا كَاشِفُوهُمْ

إِنْ قَتَلْتَهُمْ كَانَ خِطَاً كَبِيراً (اسراء/ ۳۱)

و از بیم فقر فرزندانان را نکشید ما به آنها و شما روزی می‌دهیم
زیرا کشتن آنها خطای بزرگی است.

مؤمنات نباید « فرزندگشی » کنند:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ، **يُبايِعُنَكَ**

عَلَى أَنْ لَا يُشْرِكْنَ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقْنَ وَلَا يَزْنِينَ

وَلَا يَقْتُلْنَ أَوْلَادَهُنَّ

وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِينَكَ فِي مَعْرُوفٍ

فَبَايِعْهُنَّ وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ

إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (ممتحنه/ ١٢)

پرسش ۳:



بانوان مومن،

چگونه ممکن است

فرزندانشان را **بکشند**؟

اول: با: « **ازدواج نکردن** ».

دوم: با: « **فرزند نیاوردن** ».

سوم: با: انجامِ « **سقط جنین** ».

چهارم: با: « **واگذاری فرزند به دیگران** ».

پنجم: با به: « **فحشا کشاندن فرزند** ».

پرسش ۴:



گناه « فرزند گُشی » چقدر است؟

از منظر «قرآن»،

«گناه» هر نوع «فرزندکشی»،

در کنار «شرک به خداوند»،

و گناهی بالاتر از «فواحش» است:

قُلْ: تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّي عَلَيْكُمْ:

١- أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا ٢- وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا

٣- وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ

٤- وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَنَ

٥- وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ

ذَلِكَ وَصَّاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (أنعام/١٥١)

از منظر «**قرآن**»،

هر نوع «**فرزندکشی**»،

عامل «**خسران**» در زندگی،

و از نشانه‌های «**گمراهی**» هم است:

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ

وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ ، افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ

قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ (أنعام/ ۱۴۰)

آنها که با بی‌خردی و نادانی فرزندان‌شان را کشتند و آنچه را خدا روزیشان کرده بود با افتراء^{۵۴} به خدا حرام شمردند زیان کردند آنها به راستی گمراه شده و هدایت نیافته‌اند.

پرسشی ۵:



پس « هشدارهای » قرآن،
درباره فرزندان به « خاطر » چیست؟

«پیام» این همه آیاتِ «هشدار» دهنده،

به «والدین» اینست که:

فرزند، نباید «اصل» زندگی شما باشد،

و شما نباید با او «سرگرم و غافل» شوید.

یعنی والدینِ مؤمن و مُخلص باید فقط

« **مراقب** » (اف گفت رف اخ و مواضع) « **خود** » باشند،

و فرزند را « **بهبانهای** » برای « **رشد** »،

و « **آزمایش** » همسر داری خود بدانند.

مژده

اگر والدین، « **مراقبِ خود** »،

و « **مؤمنِ واقعی** » باشند،

« **خداوند** » آنها را

از « **گزند** » فرزندشان، « **حفظ** » می کند:

حضرت خضر صلوات الله علیه به حضرت موسی علیه السلام فرمود:

وَ أَمَّا **الْغُلَامُ**، فَكَانَ **أَبَوَاهُ** مُؤْمِنِينَ

فَخَشِينَا أَنْ يُرْهِقَهُمَا طُغْيَانًا وَ كُفْرًا (۸۰)

فَارَدْنَا أَنْ يُبَدِّلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِنْهُ زَكَاءً وَ أَقْرَبَ رُحْمًا (کهف/۸۱)

و اما نوجوان والدینش مؤمن بودند، لذا ترسیدیم آنها را به طغیان و کفر بکشد
پس خواستیم که خدایشان، آن دو را به پاکتر و مهربانتر از او عوض دهد.

پرسش ۶:



» مورد: ۴۷۷ «:

» شغل « یعنی چه؟



يَا أَيُّهَا النَّاسُ:

طُوبَى لِمَنْ شَغَلَهُ عَيْيُهُ

عَنْ عُيُوبِ النَّاسِ (خطبه/ ۱۷۶)

خوشا به حال آن که پرداختن به «عیوبِ خودش»،
او را از «عیوبِ مردم» باز دارد.

« **اشتغال** » یعنی:

« **تمرکز** در هر **کار** »،

و « **تدبیر** آن **کار** »:

فَمَنْ شَغَلَ نَفْسَهُ بِغَيْرِ نَفْسِهِ

تَحَيَّرَ فِي الظُّلُمَاتِ،

وَأَرْتَبَكَ فِي الْهَلَكَاتِ،

وَمَدَّتْ بِهِ شَيَاطِينُهُ فِي طُغْيَانِهِ،

وَزَيَّنَتْ لَهُ سَيِّئَ أَعْمَالِهِ (خطبه/١٥٧)

و حضرت سید الساجدین امام سجاد صلوات الله علیه می فرمایند:

وَاسْتَغْفِرُكَ: مِنْ كُلِّ لَذَّةٍ بِغَيْرِ ذِكْرِكَ

وَمِنْ كُلِّ رَاحَةٍ بِغَيْرِ أَنْسِكَ

وَمِنْ كُلِّ سُورٍ بِغَيْرِ قُرْبِكَ

وَ مِنْ كُلِّ شُغْلٍ بِغَيْرِ طَاعَتِكَ ... (مناجات الذاکرین)

پس اینکه امیرالمؤمنین صلوات الله علیه به شوهرها می فرماید:

لَا تَجْعَلَنَّ أَكْثَرَ شُغْلِكَ بِأَهْلِكَ وَوَلَدِكَ

فَإِنْ يَكُنْ أَهْلُكَ وَوَلَدُكَ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ

فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَوْلِيَاءَهُ وَإِنْ يَكُونُوا أَعْدَاءَ اللَّهِ

فَمَا هُمْكَ وَشُغْلُكَ بِأَعْدَاءِ اللَّهِ؟ (حکمت/۳۵۲)

به معنی « بی مسئولیت بودن » شوهران و پدران نیست،

بلکه برای گرفتن « بهانه » از آنهاست.

آیة ۳۹:



قُلْ: إِنْ رَبِّي

يَسُطُّ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

وَيَقْدِرُ لَهُ ... (سبأ/ ۳۹)

بگو خدای من، برای هر کدام از بندگان که او را لایق ببیند،
« روزی » را « گسترده » یا برای او « محدود » می کند ...

پرستی ۷:



« مورد: ۴۷۸ »:

« رزق چیست؟ »



« رزق »:

« جريانِ عنايتِ الهی »،

به « مخلوقاتِ زنده »،

و به اندازه:

« قابليت، لياقت، ظرفيت و صلاحيت » آنهاست.

۱- « رحمت »، « فرصتی » است یکسان و برای همه.

۲- « نعمت »، رحمتِ خاصی است برای « یک اُمّت ».

۳- « رزق »، نعمتِ خاصی است برای « یک فرد ».

۴- « برکت »، استفادهٔ عاقلانه و مؤمنانه از « یک رزق ».

و یا: « رحمت »، « عام » است، « نعمت »، « خاص » است،

« رزق »، « مصرف‌شده ». « برکت »، « میزانِ بهره‌وری ».

« قرآن »، « شوهر » (و پدر) را

« مجرای رزق » معرفی می کند:

« ... وَ عَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كَسْوَتَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ ... »

(بقره/۲۳۳)

... و آنکه فرزند برایش متولد شده،

باید رزق (عاطفی و معنوی و مادی) و لباس آن زنان را بدهد.

پرستی ۸:



کدام « مخلوق »، « بی رزق » است؟

رزقِ الهی برای « هر جنبنده‌ای »، « قطعی » است،

و « هیچ مخلوقی » قطعاً « بی‌رزق نمی‌ماند »:

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ

إِنَّا عَلَى اللَّهِ رَزَقَهَا (هود/۶)

لذا « **جانوران مهاجر** » با خود « **آذوقه** » نمی‌برند،

زیرا به « **رزاقیت الهی** »، « **یقین** » دارند:

وَ كَآئِن مِّن دَابَّةٍ لَّا تَحْمِلُ رِزْقَهَا

اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَاِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (عنکبوت/۶۰)

و چه بسیار جنبندگان که روزی خود را حمل نمی‌کنند،
خداست که آنها و شما را روزی می‌دهد و او شنوای داناست.



خدایا:

بر شناختِ ما از «قرآن و عترت» بیفزای

و ما را از هر نوع «غفلتی» حفظ فرما،

و در «اطاعت» از «أولیاء خود» موفق،

و «زمینه‌سازِ ظهورِ آخرین حجت» قرار ده.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُوْلِكَ

